سی‌ودومین همایش بانکداری اسلامی: نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی: مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی
۸ و ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱، صص. ۳۹-۵۵

چالش‌های نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران

مهدی بهزاد[۱]
میلاد حامدی[۲]

چکیده

برخلاف نسبتاً جدید بودن مبحث نظارت و تطبیق شرعی، این موضوع از مباحث حائز اهمیت در نظام بانکداری اسلامی و به‌تبع آن نظام بانکی ایران است. کارکرد اصلی نظارت و تطبیق شرعی، حصول اطمینان از انطباق عملیات بانکی با موازین شریعت بوده و در هدف نهایی خود، نیل به اهداف متعالی بانکداری اسلامی را تأمین می‌کند. اما همواره با توجه به جدید بودن موضوع، مشکلات و چالش‌هایی بر سر راه آن وجود داشته که هدف این مقاله، شناسایی و بررسی این چالش‌ها در نظام بانکی ایران و ارایه راهکارهایی جهت رفع آن‌هاست.

این پژوهش به‌روش تحلیلی- توصیفی به‌شناسایی ابعاد مختلف چالش‌های نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران پرداخته و چالش‌ها و موانع آن را در سه عنوان مجزای ایراد در قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، ایراد در اجرای قانون یاد شده و مشکلات ساختاری نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران بررسی می‌کند. در نهایت، با شناسایی چالش‌ها، به ارایه طریق و پیشنهادهایی جهت از بین بردن ایرادهای موجود در نظام بانکی پرداخته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، تقویت نظارت بر اجرای قانون یاد شده، بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی نظام بانکداری اسلامی جهت اصلاح ساختار نظارت و تطبیق شرعی و ایجاد فرهنگ‌سازی در میان کارکنان شبکه بانکی کشور و همچنین مشتریان اعتباری.

واژه‌های کلیدی: نظارت و تطبیق شرعی، بانکداری اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، چالش‌ها، ریسک شریعت
JEL: G21 ،E58

---

[۱] رئیس اداره رعایت قوانین و مقررات بانک پاسارگاد؛ m.behzad@bpi.ir
[۲] کارشناس اداره رعایت قوانین و مقررات بانک پاسارگاد، (نویسنده مسئول)؛ m.hamedi@bpi.ir

مقدمه

تطبیق و نظارت شرعی یکی از ارکان حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی است. درخصوص ضرورت یا عدم ضرورت وجود آن بین اقتصاددانان، حقوقدانان و فقهای اسلامی مباحثی مطرح شده است. در نظام حقوقی بانکداری ایران نیز در این خصوص، چه در مقام مباحث علمی و چه در سطح عملی، اقداماتی صورت گرفته است. اساساً هدف از تطبیق و نظارت شرعی این است که بانک‌هایی که اعمال مقررات اسلامی و ضوابط فقهی را در فرایند بانکداری اعم از اعطای تسهیلات و سایر موارد بر خود الزامی می‌دانند، در عمل نیز مطابق با فرامین شریعت عمل کنند.

حال در مقام اعمال این نوع تطبیق که از عناصر اصلی نظام کنترل داخلی بانک‌های اسلامی است، ممکن است چالش‌ها و موانعی به‌وجود بیاید که برای رفع آن باید اقداماتی صورت گیرد. از آنجا که مبحث تطبیق و نظارت شرعی در بانک‌های ایرانی موضوعی نسبتاً جدید بوده و مباحثی حول آن مطرح می‌شود و از طرفی، بانک مرکزی نیز در اصلاحیه «دستورالعمل تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد و اعضای کمیته‌های ریسک، حسابرسی داخلی و رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) مؤسسات اعتباری»، تعیین مسئول نظارت و تطبیق شرعی را برای بانک‌های ایرانی الزامی کرده است، از این رو بررسی چالش‌ها و موانع نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران ضروری به‌نظر می‌رسد.

در زمینه چالش‌های نظارت شرعی تاکنون مباحث مختلفی مطرح شده اما در این بررسی‌ها وجود یک رویکرد جامع و فراگیر با دیدن محدودیت‌های کلیه اشخاص مشمول و ارایه راهکارهای دقیق، کمتر اتفاق افتاده است. و چنانچه نظام بانکی ایران چالش‌های اجرای تطبیق و نظارت شرعی را به‌درستی شناسایی و در راستای رفع آن‌ها اقدام نکند، فلسفه اصلی وجود آن در عمل محقق نمی‌شود.

هدف این مقاله بیشتر بر حول بحث چالش‌های تطبیق و نظارت شرعی متمرکز است. به‌عبارتی، در این مقاله از مواردی بحث به‌عمل می‌آید که سبب می‌شود تطبیق و نظارت شرعی با مشکل روبه‌رو شده و در نهایت پیشنهادهایی جهت اصلاح نواقص و ابهام‌ها و رسیدن به‌وضع مطلوب همگام با نظام بانکداری بین‌المللی اسلامی ارایه می‌شود.

در این پژوهش تلاش شده تا به‌دو پرسش اصلی پاسخ داده شود:

۱- چالش‌های اجرای تطبیق و نظارت شرعی در نظام بانکی ایران چیست؟ و

۲- راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چه مواردی هستند؟

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات نظری

نظام بانکداری در کشورهای اسلامی موضوعی نسبتاً جدید است. ایده بانکداری اسلامی در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. نخستین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در مالزی و مصر شکل گرفت و بعد از آن در سال ۱۹۷۴ بانک اسلامی دبی و سایر بانک‌های اسلامی پدید آمدند. (اکبریان و رفیعی: ۱۳۸۶، ص. ۹۸) نظارت و تطبیق شرعی نیز به‌تبع نظام بانکداری اسلامی موضوعی جدید بوده و مخصوصاً در دو دهه گذشته توجه نظام بانکداری اسلامی را به‌خود جلب کرده است. بحث انطباق با شریعت از مباحث اصلی نظارت شرعی است که به‌موجب آن انطباق تمامی فعالیت‌های بانک با ضوابط فقه اسلامی بررسی می‌شود. مباحثی مانند ممنوعیت ربا و به‌کارگیری درست عقود مربوط به‌سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی به تسهیلات‌گیرندگان از مهم‌ترین مباحث نظارت شرعی در نظام بانکی است که پیش‌زمینه این امر، تدوین صحیح قوانین عملیات بانکی و اجرای درست و دقیق این قوانین است تا بتوان نظارت شرعی را به‌نحو احسن در نظام بانکی کشور اعمال کرد. علاوه بر این دو مورد، ایجاد ساختار تطبیق و نظارت شرعی مطلوب متناسب با نظام حقوقی و بانکی کشور و اقتباس از اصول و استانداردهای بین المللی بانکداری اسلامی با توجه به تفاوت‌های موجود از عوامل دیگر برای اعمال درست تطبیق و نظارت شرعی است.

پیشینه پژوهش

درخصوص موضوع تطبیق و نظارت شرعی، مقالاتی به زبان فارسی نگاشته شده است. برای مثال، آقایان موسویان و میسمی در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارایه اصلاح‌های قانونی آن»، ضمن بیان این‌که نظارت شرعی یکی از اجزای اصلی در اجرای صحیح بانکداری بدون ربا بوده، معتقدند کم و بیش در تمامی کشورهایی که به‌صورتی بانک‌های بدون ربا و اسلامی را راه‌اندازی کرده‌اند، پیگیری می‌شود. در نظام بانکی ایران، خلأهایی در این‌باره وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها سکوت قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر قوانین و مقررات درباره پایش اجرای صحیح بانکداری براساس ضوابط شرعی است. در پژوهش یاد شده توصیه‌هایی سیاستی جهت اجرایی‌سازی نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی کشور پیشنهاد شده و جهت هموار کردن زمینه‌های قانونی راه‌اندازی نظارت شرعی، نمونه‌هایی مانند «اضافه شدن فصل مستقلی

به قانون عملیات بانکی بدون ربا درباره نظارت شرعی» و «تدوین چک‌لیست‌های نظارت شرعی از شعبه‌ها»، ارایه می‌شود.

همچنین، آقایان روحانی و بنی‌طبا در گزارشی با عنوان «آسیب‌شناسی نظام بانکی: نظارت شرعی بانک مرکزی»، پس از بیان اهمیت و ضرورت نظارت شرعی بانک مرکزی و نیز سطوح و مراحل مختلف آن، ابعاد قانونی این موضوع را در ایران بررسی کرده‌اند. طبق بررسی ایشان، نظارت شرعی در ایران به‌لحاظ قانونی، نهادی و اجرایی ضعیف بوده و بعضی از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از این ضعف را نام برده‌اند. به‌علاوه در این گزارش، جایگاه نظارت شرعی در کشورهای مختلف و انواع الگوهای طراحی شده، بیان و دو نهاد بین‌المللی معرفی شده‌اند که عهده‌دار تدوین استانداردها و دستورالعمل‌های نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی هستند.

چالش‌های نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران

ریشه چالش‌های موجود در مسیر اعمال نظارت و تطبیق شرعی مؤثر در نظام بانکی ایران را می‌توان در سه دسته کلی نواقص قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، ایراد در اجرای قانون مذکور و مشکلات ساختاری نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران طبقه‌بندی کرد که در ادامه بحث، هر یک از آن‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نواقص قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)

یکی از لوازم اصلی نظارت و تطبیق شرعی، تدوین صحیح و اصولی قوانین بانکی در راستای این موضوع است. نبود خلأ، اشتباه یا ابهام در نص قوانین و متناسب بودن متن قوانین با مقتضیات روز جامعه، سبب درست اجرا شدن قانون در عمل شده و راه را بر تفاسیر متفاوت و بعضاً نادرست قانون مسدود می‌سازد.

عدم تفکیک بین ربا و بهره (متناسب نبودن قانون با مقتضیات اقتصادی کشور و اوضاع تورمی)

با وجود ممنوعیت و تحریم ربا در آیات قرآن[۱] و روایات[۲]، به‌نظر می‌رسد عدم تفکیک و مشخص کردن مفاهیم بهره و ربا، زمینه‌ساز مشکلاتی نظیر به‌کارگیری صوری عقود جهت اعطای تسهیلات می‌شود که این امر اعمال نظارت شرعی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، ربا دیگر نمی‌توانست جایی در اقتصاد کشور، به‌ویژه در نظام بانکی داشته باشد. بنابراین از همان ابتدا، اقداماتی برای حذف ربا اجرا شد و سپس جایگزینی روش نوینی که بتواند در چهارچوب موازین شرعی، منبع درآمدی برای بانک و سپرده‌گذاران باشد. از سال ۱۳۵۸ مطالعات پراکنده‌ای در زمینه تغییر نظام سوددهی بانک‌ها و سازگاری آن با اصول و موازین اسلامی انجام پذیرفت. از اقدامات اولیه برای حذف بهره، مصوبه سیصد و نود و دومین جلسه مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۰۳ شورای پول و اعتبار بود که تنها به کاهش نرخ بهره و تغییر نام آن به کارمزد برای تسهیلات اعطایی و حداقل سود تضمینی برای انواع سپرده‌ها محدود شد. در عین حال و به‌دلیل پیچیدگی کار، بانک‌ها مکلف بودند تا در صورت وجود سود اضافی، بر حداقل سود تضمین شده در پایان هر سال مبلغی نیز اضافه کنند. (جمشیدی: ۱۳۹۰، ص. ۳۲) سرانجام، قانون عملیات بانکی بدون ربا در هشتم شهریورماه سال ۱۳۶۲ به‌تصویب رسید و در تاریخ دهم شهریورماه همان سال مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و برای اجرا به‌دولت ابلاغ شد و از ابتدای سال ۱۳۶۳، بانک‌ها مکلف شدند که عملیات خود را با مقررات جدید تطبیق دهند.

همان‌گونه که از عنوان این قانون برمی‌آید، نویسندگان آن، مفهوم ربا[۳] و بهره[۴] را همسان دانسته و به‌دنبال آن بوده‌اند تا در نظام بانکی مورد نظر خود، ربا و بهره را حذف کنند. حال آن‌که ربا و بهره

---

[۱] خداوند در آیه ۲۷۵ سوره بقره، حکم شرعی حرمت ربا را بدین‌گونه بیان کرده است: «الذین یأکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا **و احل الله البیع و حرم الربا** فمن جائه موعظه من ربه‌فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون». ترجمه: «آن کسانی که رباخوارند (از قبرها در قیامت) برنخیزند جز به‌مانند آن‌که به وسوسه و فریب شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت (ربا خوردن)ند که گویند هیچ فرقی میان معامله تجارت و ربا نیست و حال آنکه **خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام.** هرکس پس از آن‌که اندرز کتاب خدا به او رسید، از این عمل (ربا خوردن) دست کشد، خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد. و کسانی که از این کار دست نکشند، آنان اهل جهنمند و در آن جاوید معذب خواهند بود».

[۲] از منظر سنت معصومین به‌عنوان یکی از منابع اصلی فقه امامیه برای مثال، به روایتی در مورد حرمت ربا اشاره می‌شود: امام صادق (ع) فرموده است: «خدا ربا را حرام کرده، این راه را بسته تا مردم از طریق قرض‌الحسنه برای یکدیگر کارگشایی کنند، نه از طریق ربا».

[3] Usury

[4] Interest

دو مفهوم حقوقی هستند که قابلیت تفکیک از یکدیگر را دارند. درخصوص تفکیک مفهوم بهره و ربا می‌توان به اصل ۴۳ قانون اساسی استناد کرد. با مطالعه این اصل می‌توان استنباط کرد که نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به جدایی و دوگانگی بهره و ربا توجه داشته‌اند. در اصل یادشده، بهره به‌طور مطلق ممنوع نشده، ولی ربا صراحتاً ممنوع شمرده شده است. بند ۲ از این اصل، پرداخت وام بدون بهره را به کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، تجویز کرده است. پس، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که در انواع دیگر وام‌ها از قبیل تسهیلاتی که برای مقاصد مصرفی از سوی بانک‌ها پرداخت می‌شود، گرفتن بهره غیرمجاز نیست. و حال آن‌که بند پنجم همین اصل با پدیده ربا برخورد قاطعی داشته و آن را در ردیف اموری همچون اضرار به‌غیر، احتکار و دیگر معاملات باطل و حرام برشمرده است.

درخصوص ماهیت دریافت اضافه در اقتصاد تورمی، باید گفت در اقتصاد کشوری که دارای تورم بسیار بالاست (به‌جز موارد خاص مثل زمان رونق اقتصادی) و قیمت‌ها به‌صورت مداوم رو به افزایش است، وقتی که منابع مردم در حساب «قرض‌الحسنه» پس‌انداز می‌شود، سال آینده قدرت خرید آن به اندازه میزان تورم کاهش یافته و حتی در حساب‌هایی که سود دریافت می‌کنند نیز به‌میزان مابه‌التفاوت نرخ دریافتی با نرخ تورم، دچار افت قدرت خرید شده‌اند.

تفاوت ماهوی بین بهره و ربا در این است که ربا، بازده ثابت از قبل تعیین شده است که تنها در جوامع معیشتی سنتی رخ می‌دهد. اما در عصر حاضر که سطح عمومی قیمت‌ها پیوسته در حال تغییر بوده، از بازده ثابت خبری نیست، بلکه روی یک نرخ بهره اسمی توافق شده و بهره واقعی (بازده واقعی)، متناسب با تورم و تغییرات قیمت‌های نسبی، تغییر می‌کند. (موسویان: ۱۳۷۸، صص. ۱۱۶–۱۱۵)

در زمینه کاهش ارزش پول نیز برخی از مراجع عظام مانند آیت‌الله سبحانی معتقدند که قرض‌گیرنده باید در زمان قرض، مبلغ دریافتی را در قالب قیمت طلا محاسبه کند و در سررسید قرض نیز براساس قیمت طلا پرداخت کند که این موضوع نشان‌دهنده توجه مراجع به افت ارزش پول و حفظ حقوق قرض‌دهنده است.

به‌عبارتی، هدف از طرح این موضوع آن است که اگر در نظام بانکی، تعیین نرخ بهره با توسل به چهارچوبی که مورد تأیید مراجع است مجاز شناخته شود، دست تسهیلات‌دهندگان برای دریافت بهره افراطی و ربا با توسل به‌روش‌های غیرمستقیم مانند مضاربه و شراکت، بسته می‌شود و از طرفی، شبهه صوری بودن قراردادهای بانکی نیز کاهش می‌یابد.

عدم‌تطبیق تعاریف قانون با ضوابط شرعی

یکی دیگر از ایراداتی که وجود دارد، نحوه جذب و استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه است با این بیان که قانون عملیات بانکی بدون ربا از اصطلاح قرض‌الحسنه در سپرده‌های جاری/ دیداری استفاده کرده که صحیح نیست. زیرا هر قرض بدون بهره مشمول عنوان «قرض‌الحسنه» نمی‌شود. همچنین، متناسب نبودن نظریه وکالت در معاملات بانکی، زمینه را برای نارسایی‌ها و مشکلات مدیریتی در عرصه سیاست‌های پولی و بانکی فراهم آورده است. (موسویان: ۱۳۷۸، صص. ۱۵۷ و ۱۵۹) از دیگر نواقص و ضعف‌های موجود در این قانون که اصلاح آن می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای اصلی طرح تحول در نظام بانکی مورد توجه قرار گیرد این است که در قانون فعلی هیچ تفکیکی بین قرض بدون بهره و قرض‌الحسنه در نظر گرفته نمی‌شود. نتیجه این‌که تمامی سپرده‌های جاری و پس‌انداز براساس عقد قرض‌الحسنه تعریف شده‌اند. این در حالی است که عقد قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی ویژگی تبرعی (نیکوکاری) داشته و نیت فرد باید نوعی ایثار باشد. بنابراین، اگر فردی به‌منظور بهره‌برداری از خدمات مالی، حساب جاری افتتاح کند یا این‌که به‌منظور دستیابی به جوایز بانکی حساب پس‌انداز افتتاح کند، گر چه قرض بدون بهره به بانک داده، اما نمی‌توان نام آن را قرض‌الحسنه نامید. (میسمی و قلیچ: ۱۳۹۰، صص. ۹۵ و ۹۶)

سکوت قانون درخصوص نظارت و تطبیق شرعی

هر چند به موجب اصل ۴ قانون اساسی، «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد ...» به‌نظر می‌رسد درخصوص نظارت و تطبیق شرعی باید سازوکار تقنینی اتخاذ شود. در قانون عملیات بانکی بدون ربا درخصوص تطبیق و نظارت شرعی و سازوکار اجرایی آن در نظام بانکی کشور تصریحی وجود ندارد. به‌عبارتی، در ایران پس از تصویب این قانون در سال ۱۳۶۲، هیچ نهاد، سازمان یا بخشی خود را متعهد به پیگیری و نظارت بر اجرای صحیح قانون ندانسته است. به‌نظر می‌رسد این پیش‌فرض در ذهن مسئولان و مجریان شکل گرفته که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌وسیله شورای نگهبان و اثبات عدم مغایرت آن با آموزه‌های شرع و قانون اساسی، خود تضمین‌کننده اجرای صحیح آن نیز هست و تصویب این قانون، اسلامی شدن نظام بانکی را تضمین می‌کند. (موسویان و میسمی: ۱۳۹۳، ص. ۱۰۸)

به‌نظر می‌رسد با توجه به این‌که تطبیق و نظارت شرعی به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی است، بهتر است علاوه بر اصلاح قانون یاد شده، با اصلاح قوانین در دست تصویب مانند طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران (که هنوز در فرایند تشریفات قانونگذاری است)، مبحث نظارت و تطبیق شرعی هم گنجانده شود و صرفاً در حد بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های بانک مرکزی یا قوانین متفرقه و پراکنده مانند ماده ۱۶ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باقی نماند.[۱]

علاوه بر ایرادات قانون عملیات بانکی بدون ربا، در مواردی سایر قوانین و مقررات هم به‌نحوی حکمی صادر کرده‌اند که چالش‌هایی را در مسیر تطبیق و نظارت شرعی ایجاد می‌کند. برای مثال، مطابق ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی مضاربه مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۶۳، «بانک‌ها موظفند برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه، ضمن عقد صلح موضوع ماده ۸ این دستورالعمل از عامل تعهد کافی اخذ کنند.» به‌موجب قانون مدنی، مضاربه عقدی است جایز و طرفین هر وقت بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند. حال اگر برای مدیریت ریسک اعتباری ناشی از این عقود، به‌صورت سیستماتیک از عقد صلح برای لازم کردن عقودی استفاده شود که از ابتدا ماهیت متفاوتی داشته‌اند تا بتوان به هر طریق در ابتدای قرارداد از مشتری سود دریافت کرد، ولو این‌که وی در این مشارکت زیان کرده باشد، ذات

---

[۱] برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهارنظر نسبت به روش‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادها و نحوه اجرای آن‌ها از جهت انطابق با موازین فقه اسلامی، شورای فقهی در بانک مرکزی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

- پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب‌نظر در مسائل پولی و بانکی)
- رئیس‌کل یا معاون نظارتی بانک مرکزی
- یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل پولی و بانکی و یک اقتصاددان (هر دو با معرفی رئیس‌کل بانک مرکزی)
- یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اولویت آشنایی با بانکداری اسلامی به انتخاب مجلس شورای اسلامی (به‌عنوان عضو ناظر)
- یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی

تبصره ۱- اعضای فقهی این شورا به پیشنهاد رئیس‌کل بانک مرکزی و تأیید فقهای شورای نگهبان انتخاب و با حکم رئیس‌کل بانک مرکزی منصوب می‌شوند.

تبصره ۲- مصوبات شورای فقهی لازم‌الرعایه است. رئیس‌کل بانک مرکزی اجرای مصوبات شورا را پیگیری و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند. حکم این ماده نافی اختیارات و نظر فقهای شورای نگهبان در اصل چهارم قانون اساسی نیست.

تبصره ۳- اعضای صاحب رأی این شورا برای چهار سال تعیین می‌شوند و این مأموریت برای یک دوره دیگر قابل تمدید است.

تبصره ۴- جلسات شورای فقهی با حضور دوسوم اعضا مشتمل بر رئیس شورا و حداقل سه نفر از فقهای عضو شورا رسمیت می‌یابد و تصمیمات شورا با رأی موافق اکثریت فقهای حاضر عضو شورا اتخاذ می‌شود.

عقد مدنظر تغییر یافته و لذا این فعالیت، مشارکتی با تعبیری که بر مبنای تشریک سود و زیان است، تعبیر نمی‌شود و حتی در دیدگاهی فراتر می‌توان گفت که این اقدام، عملیات ربوی است. زیرا بانک مبلغی به مشتری می‌دهد تا در صورت سود و زیان شریک شوند و این در حالی است که بانک تنها سود خود را تضمین می‌کند. (جعفری: ۱۴۰۰، ص. ۲۷۴)

ایراد در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا

با فرض این‌که بهترین حالت برای عملکرد صحیح نظارت و تطبیق شرعی، اصلاح روند اجرایی حول محور عملکرد شرعی بانک‌هاست، باید درخصوص اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا (با وجود ایراداتی که به آن وارد است) اهتمام ویژه به‌عمل آورد. با این حال، شواهدی مبنی بر عدم اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا وجود دارد. مهم‌ترین ایرادات در فرایند اجرایی قانون عبارت است از:

۱- نبود سازوکار نظارت بانک‌ها یا کمبود و نقص در سازوکار نظارت بر مصرف تسهیلات اعطا شده به تسهیلات‌گیرنده. و

۲- عدم تطابق قرارداد با موضوع تسهیلات که به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- عدم تطابق نوع عقد مثلاً تسهیلات درخصوص کالاست، اما نوع عقد جعاله است.

ب- عدم تطابق مدت قرارداد مثلاً موضوع قرارداد پروژه است، اما بانک تسهیلات ۳ ماهه اعطا کرده و پس از انقضای مدت قرارداد، اصل و سود را تجدید می‌کند.

از عمده‌ترین مشکلات بانکداری کنونی، عملکرد صوری و غیرواقعی برخی از بانک‌هاست. برای مثال، در تعریف عقد جعاله آمده است: قراردادی است که به‌موجب آن جاعل یا کارفرما در مقابل انجام دادن عمل معین، ملزم به‌ادای مبلغ یا اجرت معلوم می‌شود. نحوه اجرای عقد جعاله در مواردی که بانک، عامل است این‌گونه است که بانک ضمن انعقاد قرارداد با متقاضی، انجام دادن کار مشخصی را قبول می‌کند. سپس با توجه به‌شرایط موضوع قرارداد، بانک حسب مورد تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی کار پذیرفته شده را طبق قرارداد دوم به‌غیر واگذار می‌کند. با این حال، در عمل در عقد جعاله تعمیرات مسکن که بانک، عامل جعاله است، تنها به مراجعه‌کننده پول می‌دهد که خود او نسبت به تعمیر مسکن خود اقدام کند. بنابراین، این اقدام به واقع جعاله نیست. درخصوص وام‌های خرید خودرو (کالای بادوام) نیز موضوع به‌همین شکل است.

در حالی که در بانکداری اسلامی توقع می‌رود تسهیلات‌گیرنده و بانک، محتوای عقود را به‌طور کامل رعایت کنند. در غیر این صورت، عدم رعایت مفاد قرارداد سبب می‌شود عقد جنبه صوری و غیرواقعی به‌خود بگیرد و در نتیجه، شبهه ربوی بودن پیش بیاید. به‌عبارتی، عقد صوری، عقدی است که در آن قصد واقعی معامله وجود ندارد. در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران، عقد صوری به‌دلیل نبود قصد، از اساس باطل است. توضیح این‌که به‌موجب ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شرایط اساسی صحت عقود، قصد طرفین است. (بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی) به‌طور کلی نبود قصد به هر علتی که باشد باعث بطلان معامله می‌شود. (صفایی: ۱۳۸۹، ص. ۶۳) همچنین، به‌موجب ماده ۱۹۱ قانون مدنی: «عقد محقق می‌شود به‌قصد انشا (وجود اراده واقعی مبنی بر انعقاد قرارداد) ...». پس تا هنگامی که متعاملین قصد انعقاد معامله و جاری شدن آثار خاص آن قرارداد را نداشته باشند، عقد محقق نمی‌شود. یکی از آثار مترتب بر این امر آن است که در صورت طرح دعوا در مرجع قضایی و اثبات این امر که قصد انجام دادن معامله وجود نداشته، دادگاه حکم به‌بطلان معامله می‌دهد. درخصوص عقود بانکی، منظور از صوری بودن آن است، گر چه در ظاهر، قراردادی که طرفین امضا می‌کنند، عنوان یکی از عقود شرعی (مانند مضاربه) را دارد، اما در عمل هیچ‌گونه مضاربه‌ای اتفاق نیفتاده و صرفاً فاکتورها و برگه‌هایی مبادله می‌شوند.

وسعت این چالش به‌حدی است که برخی از محققان اقتصاد اسلامی و حتی برخی از مراجع عظام تقلید صراحتاً اعلام کرده‌اند که بخشی از معاملات انجام شده در نظام بانکداری بدون ربا در کشور، صوری است. صوری شدن عملیات بانکداری بدون ربا در عقود مختلف به ربوی شدن آن منجر می‌شود. زیرا براساس اصل فقهی بسیار مهم، عقود تابع قصود و اهداف طرفین بوده و اگر طرفین قصد جدی در انجام دادن معامله نداشته باشند، معامله‌ای انجام نخواهد شد و تنها دریافت پول و بازپرداخت آن به‌مبلغ بیشتر مورد توجه طرفین قرار می‌گیرد که این به‌طور قطع رباست. (میسمی و قلیچ: ۱۳۹۰، ص. ۹۵)

برخی دیگر از ایرادات وارد بر عملکرد بانک‌ها در اجرای قانون به قرار زیر است:

۱- شبهه جدی در وکیل نبودن بانک از سوی سپرده‌گذاران؛

۲- تضمین بازگشت اصل سپرده سرمایه‌گذاران از سوی بانک؛

۳- پرداخت سود علی‌الحساب به سپرده‌گذاران قبل از بازده سپرده؛

۴- انحراف در تخصیص منابع (ترجیح عقود مبادله‌ای به‌مشارکتی)؛

۵- دریافت جریمه تأخیر. (خادمان: ۱۳۹۸، ص. ۱۶۳)

از این‌رو لزوم اجرای صحیح ضوابط قانون عملیات بانکی بدون ربا پیش‌شرط اعمال صحیح نظارت و تطبیق شرعی است.

مشکلات ساختاری نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران

در تعریف ریسک شریعت[1] گفته شده است: «خطری است که نظام بانکی به‌علت عدم انطباق فعالیت‌های خود با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام ممکن است با آن روبه‌رو شود.» به‌عبارتی، ریسک شریعت، ریسک جامعی است که می‌تواند شامل زیرمجموعه‌های متعددی بوده و مدیریت صحیح این ریسک به‌نحو مؤثری، بهترین عملکرد و انطباق با استانداردهای قضایی و مقررات را تضمین می‌کند. (دلرنزو: ۲۰۰۷، ص. ۳۹۸) بر این اساس، نظارت شرعی به این صورت قابل تعریف است: «نظارت شرعی تمام اقدامات احتیاطی و نظارتی است به‌منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام.» هدف از این نظارت سرانجام دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به‌وسیله آن‌ها به‌توان ریسک شریعت در نظام بانکی را (به‌طور عام) یا یک مؤسسه مالی یا بانک اسلامی را (به‌طور خاص)، حداقل کرد.

بررسی تجربه نظارت شرعی و حداقل‌سازی ریسک شریعت در سطح بین‌المللی حاکی از آن است که اکثر بانک‌ها و مؤسسات اسلامی فعال در دیگر کشورها با تعبیرهای گوناگونی مانند شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت و ... به این موضوع پرداخته‌اند. شوراهای فقهی بانک‌های اسلامی وظایفی مانند نظارت بر تنظیم قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی مطابق با ضوابط شرعی، ارایه خدمات آموزشی درباره اصول شریعت به مدیران و کارکنان، ارایه مشورت شرعی به مشتریان، پاسخ به پرسش‌های شرعی ذی‌نفعان، مشاوره‌های موردی به مدیران ارشد، ارایه مشاوره انتخاب عقد به تسهیلات‌گیرندگان، بازرسی‌های شرعی در جهت تضمین اجرای صحیح قراردادها، تدوین گزارش سالانه انطباق با شریعت و تقویت برند و جایگاه بانک درخصوص بانکداری اسلامی را برعهده دارند.

یکی از خلأهایی که در نظام بانکداری ایران وجود داشته و باید رفع شود این است که با در نظر گرفتن تجربه‌های گوناگون کشورها درباره نظارت شرعی (که الگوهای متفاوتی را اجرا کرده‌اند و تفاوت‌های قابل توجهی دارند)، قانونگذار ایران باید سطح نظارت شرعی را مشخص کند. مواردی مانند اجباری یا اختیاری بودن نظارت شرعی، سطح نظارت (که در داخل بانک‌ها یا به‌وسیله نهاد

[1] Shariah Risk

مرجعی مانند بانک مرکزی اجرا شود یا هر دو)، اختیارات ناظران شرعی بانک‌ها (که می‌تواند مشورتی، نظارتی یا اجرایی باشد)، اختیارات ناظران شرعی مرجع (ناظران بانک مرکزی یا دولت)، مرجع انتخاب‌کننده اعضای شورای فقهی بانک (که می‌تواند هیئت‌مدیره یا مجمع عمومی بانک باشد) و مرجع عالی حل اختلاف (جهت حل اختلافاتی که ممکن است بین اعضای شورای فقهی پدید آید). (موسویان و میسمی: ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵)

در نظام بانکی ایران با وجود این‌که به‌موجب تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات شورای فقهی لازم‌الرعایه است، با این حال تغییرات مدیریتی بانک مرکزی در تشکیل یا عدم تشکیل جلسات شورا یا نوع برگزاری جلسات، تأثیرات فراوانی داشته است. برای مثال، اگر رئیس‌کل یا معاونان مرتبط به نقش شورای فقهی در اجرای صحیح تطبیق و نظارت شرعی باور بیشتری داشته باشند، جلسات شورای فقهی منظم‌تر برگزار می‌شود و برعکس.

با این حال، تشکیل شورای فقهی در بانک یا مؤسسه اعتباری در کنار نقاط مثبتی که دارد، چالش‌ها و هزینه‌هایی نیز برای بانک یا مؤسسه اعتباری پدید آورده که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا بود مانند هزینه‌بر بودن، کمبود متخصصان (مسلط به هر دو حوزه فقهی و بانکی)، تداخل نظارت شرعی با دیگر فعالیت‌های مؤسسه[1]، کیفی بودن مقوله انطباق با شریعت و امکان اعمال سلیقه و اختلاف فتواهای فقهی. (موسویان و میسمی: ۱۳۹۳، صص. ۱۱۵ و ۱۱۶)

همچنین، در برخی از کشورهایی که نظارت شرعی را اجرا کرده‌اند، انتقاداتی به صدور فتوا در بانک‌های اسلامی وارد شده و برخی از اعضای شورای نظارت بر شریعت را متهم می‌کنند که در ازای دریافت مبالغ گزاف به صدور فتوای مطابق با درخواست بانک‌ها اقدام کرده‌اند و این پدیده را «خرید فتوا»[2] نامیده‌اند. (جعفری: ۱۴۰۰، ص. ۵۰)

در نظام بانکداری ایران، دستورالعمل بانک مرکزی با عنوان «الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» مصوب ۱۳۹۶ در فصل هشتم با عنوان «التزام به‌احکام و اصول شریعت» در ۴ ماده، انطباق فعالیت‌های بانک با اصول شریعت را به‌طور کلی پیش‌بینی کرده است. در این دستورالعمل، شورای خاصی برای تطبیق با شریعت در نظر گرفته نشده و تنها پیشنهاد به‌کارگیری

[1] به‌نظر می‌رسد بیشترین تداخل وظایف «واحد تطبیق و نظارت شرعی» با «واحدهای نظارتی» بانک یا مؤسسه اعتباری مانند واحد تطبیق و واحد بازرسی و حسابرسی داخلی باشد.

[2] Fatwa Shopping

مشاوران متخصص در امور شریعت توصیه شده است. همچنین، برای انطباق فعالیت‌های بانک با شریعت، پیش‌بینی شده که هیئت‌مدیره بانک، سازوکارهایی را در سه محور عملیاتی کند که عبارت است از: پایش تمام فرایندهای مربوط به ارایه محصول و خدمت (ماده ۴۵)، شناسایی و پیشگیری از انجام دادن عملیات و فرایندهای صوری در سطوح مختلف مؤسسه اعتباری (ماده ۴۷) و حصول اطمینان از انطباق نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع با موازین شرعی (ماده ۴۸). سه محور اشاره شده از مواردی است که همواره محل اختلاف بوده و منتقدان، مشکلات اجرایی بانکداری ایران را در آن می‌دانند. با این حال، صدور چهار ماده به‌شکل کلی، بدون آن‌که اساساً راهکاری برای صوری نبودن عقود ارایه شود، حالت شعارگونه‌ای را ایجاد می‌کند که در عمل راهگشا نیست. این امر در طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار شده و جدای از ماده ۲۱، در مواد پراکنده‌ای حضور شورای فقهی ضروری اعلام شده است.

به‌نظر می‌رسد برای رفع این ابهام‌ها و نواقص باید همانند سایر کشورهایی که دارای نهاد تطبیق و نظارت شرعی هستند دو اقدام انجام داد:

- تدوین الگوی نظارت شرعی؛
- تدوین استاندارد نظارت شرعی.

معیارهای مورد توجه برای تدوین الگوی نظارت شرعی عبارتند از:

- سطح نظارت شرعی (درون بانکی یا نظارت بیرونی بانک مرکزی)؛
- اختیارات شورای نظارت بر شریعت (از اختیارات محدود و مشورتی تا اختیارات وسیع با داشتن ضمانت اجرا)؛
- مرجع تعیین‌کننده اعضای شورای نظارت بر شریعت (توسط خود مؤسسه اعتباری یا توسط بانک مرکزی)؛
- اجباری یا اختیاری بودن نظارت بر شریعت.

با توجه به معیارهای مطرح شده، سه رویکرد حداقلی، حداکثری و رویکرد میانی در کشورهای مختلف اتخاذ شده است.

درخصوص استانداردهای نظارت شرعی، دو سازمان مهم به‌نام سازمان حسابداری و حسابرسی

مؤسسات مالی اسلامی[۱] و هیئت خدمات مالی اسلامی[۲]، استانداردهایی را برای نظارت شرعی تدوین کرده‌اند. از این دو، استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی کلی بوده و بیشتر اصول احتیاطی مرتبط با نظارت شرعی را مطرح می‌کند. حال آن‌که استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات اسلامی با جزئیات بیشتری بوده و می‌کوشد تا به‌صورت موردی برای اکثر فعالیت‌های مؤسسه مالی اسلامی، استاندارد ارایه کند.

دهمین استاندارد از استانداردهای هفده‌گانه ارایه شده توسط هیئت خدمات اسلامی، «اصول راهنمای نظارت شرعی برای مؤسسات مالی ارایه‌کننده خدمات مالی اسلامی» است که دارای ۵ بخش با عناوین «رویکرد کلی به‌نظام نظارت شرعی»، «صلاحیت (اعضای شورای شریعت)»، «استقلال (شورای شریعت)»، «محرمانگی (در فعالیت‌های شورای شریعت)» و «سازگاری (در عملکرد شورای شریعت)» است.

استانداردهای تهیه شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات اسلامی بسیار جزئی و کاربردی و با هدف اجرایی شدن در کشورهای عضو و غیرعضو ایجاد شده که عبارتند از: دستورهای راهنما برای انطباق اولیه استانداردهای (AAOIFI) در مؤسسات مالی اسلامی؛ اصول اخلاقی شامل ضوابط اخلاقی کارکنان و حسابداران مؤسسات مالی اسلامی؛ استانداردهای حاکمیتی: ۷ استاندارد شامل شورای نظارت شرعی: انتصاب، ترکیب و گزارش، بررسی شرعی، استقلال شورای نظارت شرعی و ...؛ استانداردهای حسابرسی: ۵ استاندارد شامل اهداف و اصول حسابرسی، گزارش حسابرس، بررسی انطباق با اصول و قواعد شریعت توسط حسابرسی بیرونی و ...؛ استانداردهای حسابداری: ۲۶ استاندارد شامل مرابحه، تأمین مالی مضاربه، تأمین مالی مشارکت، افشای مبنای تخصیص سود بین مالکان و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری، سلف و سلف موازی، اجاره، اجاره به‌شرط تملیک، استصناع و استصناع موازی، بیع نسیه، سرمایه‌گذاری در صکوک، سهام و ابزارهای مالی مشابه، سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات و ...؛ و استانداردهای شرعی: ۴۸ استاندارد شامل کارت‌های

---

[1] Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

این سازمان براساس توافقنامه همکاری میان مؤسسات مالی اسلامی تأسیس شد. سازمان مذکور مؤسسه‌ای بین‌المللی، غیردولتی و غیرانتفاعی است که تلاش می‌کند استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ارایه کند.

[2] Islamic Financial Services Board (IFSB)

این مؤسسه متشکل از مجموعه‌ای از بانک‌های مرکزی و سازمان‌های نظارتی است که مقر آن در کشور مالزی قرار دارد. مؤسسه مذکور در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شد و هدف آن تهیه استانداردها و رهنمودهای لازم برای سلامت و ثبات مالی مؤسساتی است که خدمات مالی خود را در چهارچوب احکام شرعی اسلامی ارایه می‌دهند.

اعتباری و بدهی، نکول در بازپرداخت بدهی، تضامین، مشارکت (شرکت) و شرکت‌های نوین، خدمات بانکی، توزیع سود در حساب‌های سرمایه‌گذاری مضاربه، مدیریت نقدینگی و ...[۱]

این‌که ایران با وجود عضویت در این مؤسسات، اجرای استانداردهای بالا را تأکید نمی‌کند شاید به‌توان علت را اختلافات متون فقهی سنی و شیعه در فقه معاملات یا اساساً تعبیری دانست که از اصول و فروع دین وجود دارد. (جعفری: ۱۴۰۰، ص. ۵۷) با این حال، استفاده و تقویت این‌گونه استانداردها و اجرای آن، هویت بانکداری اسلامی را تقویت کرده و باعث می‌شود که نظام جامع بانکداری اسلامی به‌صورت یک هویت مستقل با توجه به‌سهم بزرگش در بازار مالی جهانی، قدرت چانه‌زنی داشته باشد. در غیر این صورت، این امر به‌تضعیف جایگاه بین‌المللی بانک‌های ایران منجر شده و سبب از دست رفتن فرصت‌های تجاری بانک‌های ایرانی خواهد شد.

یکی از نواقص و خلأهای موجود در نظام بانکداری کنونی ایران، عدم تصویب اصول احتیاطی نظارت شرعی (مشابه اصول نظارتی بازل) توسط بانک مرکزی و ابلاغ آن به مؤسسات اعتباری کشور جهت اجرای صحیح و کم هزینه نظارت شرعی است. همچنین، از دیگر خلأهای موجود می‌توان به نبود یا کمبود آموزش کارکنان بانک‌ها درخصوص ماهیت عقود اسلامی و تأکید بر رعایت دقیق محتوای این عقود هنگام ارایه تسهیلات و آگاهی‌رسانی کافی به مشتریان جهت جلوگیری از صوری شدن عقود و ایجاد شبهه ربوی بودن اشاره کرد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به وجود ایرادها و چالش‌هایی که در مسیر نظارت و تطبیق شرعی در نظام بانکی ایران در متن مقاله اشاره شد، به‌نظر می‌رسد راهکارهایی جهت رفع ایرادات بالا قابل پیشنهاد باشد.

۱- از جمله مهم‌ترین پیشنهادها می‌توان به تعیین تکلیف قطعی تفاوت بهره و ربا، چه در قالب اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا یا تصویب قانون جدید اشاره کرد تا توالی فاسد آن همانند شبهه ربوی بودن عقود اسلامی و صوری بودن قراردادهای بانکی از بین برود. در این خصوص می‌توان با استفاده از نظر مراجع عظام تقلید، راهکارهایی برای جلوگیری از زیان قرض‌دهندگان با توجه به افت ارزش پول اندیشید.

۲- سایر ایرادات موجود در قانون باید به حداقل ممکن کاهش یابد. برای مثال، ایراداتی که درخصوص نحوه جذب و استفاده از سپرده قرض‌الحسنه وجود دارد. نکته‌ای که در اصلاح قوانین موجود باید

[۱] برای اطلاع بیشتر از این استانداردها ر.ک. به‌روحانی و بنی‌طبا: ۱۳۹۵، صص. ۲۴ و ۲۵.

مدنظر قرار گیرد، بحث امکان‌پذیر بودن و سهولت اجرای آن است. مثلاً، شناسایی سود بانک در قرارداد با تسهیلات‌گیرندگان باید به‌نحوی باشد که برخی از سوءاستفاده‌کنندگان نتوانند به انحای مختلف از پرداخت سود امتناع ورزیده و حقوق سپرده‌گذاران و سهامداران بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری را پایمال کنند.

۳- پیشنهاد می‌شود برای کاهش مشکلات موجود در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، سازوکارهایی مؤثر و با داشتن قدرت اجرایی بالا در نظر گرفته شود تا نظارت و تطبیق شرعی نیز به‌نحو بهتری عملکرد خود را نشان دهد. برای مثال، نظارت بر مصرف تسهیلات افزایش یابد، نوع و مدت قرارداد تسهیلاتی متناسب با نیاز واقعی مشتری تعیین و هر نوع عقدی متناسب با خواسته طرفین استفاده شود. این امر تا حد زیادی با آموزش و فرهنگ‌سازی قابل تأمین است.

۴- اصلاح قوانین اصلی بانکداری ایران در زمینه ضرورت وجود نظارت و تطبیق شرعی در بدنه نظام بانکی ایران، زمینه تشتت آرا و اختلاف سلایق در این امر مهم را از بین برده و به بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بانکداری کمک می‌کند. پیشنهاد می‌شود قانونگذار در طرح جدید بانکداری جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی، فصلی جامع درخصوص ساختار، نحوه عملکرد و شرح وظایف نظارت و تطبیق شرعی بگنجاند و به‌نحوی یکپارچگی و جامعیت نظارت شرعی را در مقام اجرا تأمین کند. زیرا در صورت نبود نظام جامع نظارت شرعی در بانک‌های ایرانی، احتمال افزایش تعاملات با بانک‌های بین‌المللی اسلامی نیز کاهش می‌یابد.

۵- بحث فرهنگ‌سازی و آموزش در میان کارکنان نظام بانکی ایران درخصوص نظارت و تطبیق شرعی، واجد اهمیت فراوان است. به‌عبارتی، تدوین دستورالعمل‌هایی مشابه آیین‌نامه‌های اخلاقی و رفتاری برای کارکنان جهت اعمال دقیق ضوابط شرعی در اعطای تسهیلات، زمینه‌ساز کاهش فساد و تسهیل‌گر متولیان نظارت و تطبیق شرعی بوده و امر نظارت را تسهیل می‌سازد. چنانچه کارکنان باور قلبی داشته باشند که تسهیلات در مصرف مقرر شده خود (طبق ویژگی‌های عقود اسلامی) استفاده می‌شود، جنبه خودکنترلی نظارت شرعی محقق و هدف نظارت شرعی تا حدود زیادی تأمین می‌شود. به بیان دیگر، جنبه پیشگیرانه تطبیق شرعی جهت پرهیز از اعمال ضمانت اجرا برای بانک‌ها فراهم می‌شود و نیاز کمتری به ورود پس از وقوع مقام ناظر (برخوردهای انضباطی) احساس می‌شود.

۶- در نهایت نمی‌توان از این موضوع غافل شد که اجرای واقعی بانکداری اسلامی نیازمند آگاهی و اعتقاد قلبی طرف دیگر قرارداد، یعنی مشتریان، به اصول مربوطه است. و هر میزان هم که نظارت شرعی تقویت شود، ممکن است به دلایل مختلف، ایشان به‌صورت واقعی عقود را اجرا نکنند. برای مثال، شناسایی سهم سود طرفین به‌ویژه در عقود مشارکتی، نیازمند صداقت تسهیلات‌گیرنده در اعلام سود واقعی خود از معاملات یا کسب و کار مربوط است و راستی‌آزمایی آن برای بانک‌ها بسیار دشوار است. بنابراین، شایسته است بحث آگاه کردن و فرهنگ‌سازی عمومی برای مردم جهت آشنایی دقیق با عقود اسلامی به‌صورت جدی پیگیری شود.

منابع و مآخذ

1- Akbarian, R., Rafiee, H. (2007). ***Islamic Banking; Theoretical-Practical Challenges and Solutions***. Islamic Economics, 7(26), 97-188. (In Persian)

2- Delorenzo, Y.T. (2007). ***Shari'ah Compliance Risk***. Chicago Journal of International Law, 7(2), 397-408.

3- Jafari, A. (2021), Banking Law, vol.3, ***Banking Management***, Enteshar co, Tehran. (In Persian)

4- Jamshidi, S. (2011), ***Islamic Banking***, Gap Nashr, Rasht. (In Persian)

5- Kashani, S.M. (2006). ***Legal Inadequacies (failure) of banking in Iran***. Journal of Law Research, 8(42), 11-68. (In Persian)

6- Khademan, M. (2019). ***Imamiah Jurisprudence and Islamic Banking***. Legal Encyclopedias, 2(4), 137-170. (In Persian)

7- Meysami, H., Ghelich, V. (2011). ***Pathology of the implementation of Islamic Banking in the Country: Implications for the Evolution of the Banking System***. Journal of New Economics, 33(132), 91-101 (In Persian).

8- Mousavian, S.A. (1999), ***Islamic Banking, Monetary and Banking Research Institute (Central Bank of Iran)***, Tehran. (In Persian)

9- Mousavian, S.A., Meisami, H. (2015). ***A Critical Examination of Jurisprudential Surveillance in the Iranian Banking System with some Judicial Corrections***. Islamic Economics, 14(54), 101-129 (In Persian)

10- Razi, M, Asadpoor, V. (2010). ***Pathology of Islamic Banking System in Iran***. available at: https://donya-e-eqtesad.com/ (Published at 2012-11-29) (In Persian)

11- Rohani, S.A., Banitaba, S.M. (2016). ***Pathology of Banking System 7***. Shariah supervision of Central Bank, Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)

12- Safai, S.H. (2010), ***General Principles of Contracts***, Mizan Publication, Tehran. (In Persian)